



هفت ثور ۱۳۹۸

غلام حضرت

هفت ثور و تقبیح آن روز نامیمون

باز ما هستیم و یاد و احساس باد های طوفانی و ویرانگر هفت ثور
و تقبیح آن روز نامیمون.



زندگی انسانی توأم است با امواج شادی و غم ولی بعضی غم ها در قعر و عمق استخوان ها رسوب نموده و تحملش سخت به نظر می رسد. بعضی غم ها فردی اند و یا خانوادگی که با مرور زمان قابل التیام می باشند اما درد بعضی غم های ملی - تاریخی غیر قابل تحمل اند.

روز هفت ثور واقعاً یک فاجعه بود، علت فاجعه بودنش به خاطر استمرار دردهایش است تا خود ماهیت ماهیت. بسیاری از جوامع بشری شاید دچار تلخی های طاقت فرسای ملی شده باشند ولی با پشتکار ملی و بعضاً با همکاری دوستان منطقوی و بین المللی خود بر این تلخی ها پیروز و فائق آمده و با ایجاد فضای آرام، تلخی های کام های شان به شیرینی تبدیل شده و با تجلیل از روز پیروزی، احساس تلخی های گذشته شان در زمین و زمان خوشی ها محو و نابود می شوند.

کشور عزیز ما افغانستان اگر بعد از ختم دوران استیلای خونبار مسکو قدم در وادی آرامش و خوش بختی می گذاشت شاید پیشانی معصوم خویش را در قبال هفت ثور با این عصبانیت گره نه می زدند بناءً اینکه امروز مردم ما نفرت عمیق و شدید خویش را در قبال هفت ثور ابراز می دارند علتش این است که تعفن آزار دهنده ثور حتی با مرور زمان هم قطع نشده ضمناً هفت ثور پیش از اینکه در صفحات تاریخ منحیث یک لکه (سیاه) ثبت شود همین اکنون منحیث یک لکه (سرخ) و خون چکان بر وجود ما سنگینی می کند.

در آخر عرائض فقط یکی دو نکته:

سایه های مایوس کننده هشت ثور به هیچ صورت موجب برائت هفت ثور و گاوداران آن پنداشته نخواهد شد زیرا:
گاوداران هفت ثور سال ها پیش با تباری و معامله خیانت بار پنهانی با شوروی و افکار منحنط مارکسیستی دولت شوروی، قصد و نیت فروختن ما و سرزمین ما به شوروی را داشتند. از نظر قوانین جزائی و اخلاقی، مجازات نیت

یک دزدی و سرقت بزرگ (زدن بانک و کشتن محافظانش) کمتر از ارتکاب عملی آن محسوب نمی شود. یک لحظه تصور کنیم که اگر مقاومت مردم ما و همکاری رقیبان شوروی وجود نمی داشت امروز ما در چه حالتی قرار می داشتیم (بسیار مهیب است). شاید کوپون می داشتیم ولی در تاریکی مطلق بسر می بردیم.

اما گاوداران هشت ثور و کارنامه های شان مشمول این کتگوری نبود یعنی از اول اصلاً وجود شان مطرح نبود و ضمناً به اندازه دزدان هفت ثور (که در حقیقت دزدان تمام هستی بخصوص هستی معنوی ما بودند) چشم سفید و گستاخ نبودند و احتمال اینکه دست به این چپاول و غارت نزنند، زیاد بود زیرا سرشت شان پلید نبود هرچند گول بازیگران بزرگ و گوی نفسانیت خویش را خوردند و باوجود این (البته اعمال شان قابل دفاع نیست) دشمن فرهنگ و داشته های معنوی مردم خود نبودند بناءً با یک چوب زدن پیکر هفت و هشت ثور دور از انصاف خواهد بود و به شکست خوردگان هفت ثور نباید اجازه داد که با بیان و توجیه هشت ثور، اعمال ویرانگر خویش را در لایه های احساسات پاک هموطنان ما پنهان و مسؤول بدبختی امروزی را قافله سالاران هشت ثور معرفی کنند و نه یک بچه ده ساله هم میدانند که اول هفت است و بعد هشت این یعنی موضوع اولیت بسیار مهم است.

امیدواریم هرچه زودتر سایه شوم ناامنی و گرسنگی و فلاکت از دامن پاک و مظلومانه و معصومانه هموطنان عزیز ما رخت ببندد و در کمال آرامش، دیگر احساس تلخ هفت ثور از وجود مبارک شان زدوده شود.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و دانشمند را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده یا بر بیرق مقدس افغانستان در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!